

قلعه نوی شوانشتاین، سفر به دل افسانه‌ها

گزارشی اختصاصی از دل معروف‌ترین قلعه جهان که معماری منحصر به فردش افسانه‌های قدیمی را به ذهن متبادر می‌کند و الهام بخش دیزنی برای ساخت پویانمایی‌ها بوده؛ قلعه‌ای قدیمی که در زمان خودش سیستم گرمایش مرکزی و حتی بالابر داشته و شاهکار معماری و مهندسی محسوب می‌شود



سید مجتبی بروانه جلیلی | خبرنگار

پرونده

اگر برای اولین بار قلعه نوی شوانشتاین را ببینید، گویی پا به یک افسانه قدیمی گذاشته‌اید. مکانی زیبا که بیشتر از آن که واقعی به نظر برسد، یادآور پویانمایی‌های دیزنی و داستان‌های شاهزاده‌ها و شوالیه‌هاست. فضایی که فقط پرواز یک اژدها را تا یک فیلم که راوی قصه‌ای قدیمی باشد کم دارد. جالب است بدانید این قلعه تنها یک جاذبه گردشگری یا یک شاهکار شگفت‌انگیز معماری نیست، بلکه آیندای رؤیاهای لودویگ دوم، پادشاه باواریاست؛ مردی که در تنهایی خود قلعه‌ای برای فرار از دنیای واقعی ساخت، اما هرگز آن را به پایان نرساند. پرونده امروز روایتی است از حضورم در این مکان زیبا. با ما همراه باشید.

سفری یک‌روزه از مونیخ به قلب رؤیاهای پادشاهی

صبح یک‌روز سرد اما آفتابی در ژانویه ۲۰۲۵ از خواب بیدار شدم. تصمیم گرفتم این آخر هفته را به بازدید از یکی از معروف‌ترین قلعه‌های جهان اختصاص دهم: قلعه نوی شوانشتاین. این قلعه افسانه‌ای که الهام‌بخش قلعه دیزنی نیز بوده است، در ایالت بایرن آلمان، نزدیک شهر فوسن قرار دارد و از مونیخ تقریباً دو ساعت فاصله دارد.

مسیر سفر: از مونیخ تا قلعه نوی شوانشتاین

ساعت ۸ صبح، سوار قطاری شدم که از ایستگاه مرکزی مونیخ به سمت شهر فوسن حرکت می‌کرد. مسیر قطار از میان مناظر زمستانی زیبایی می‌گذشت؛ درختانی برهنه از برگ که در برابر آسمان آبی زمستانی ایستاده بودند و کوه‌های آلپ در دور دست خودنمایی می‌کردند. هوا سرد اما دلنشین بود و آفتاب کم‌رقی بر فراز زمین‌های یخ‌زده می‌تابید. بعد از رسیدن به ایستگاه فوسن، سوار اتوبوسی شدم که ما را به دهکده هوهن شوانگاو برد؛ جایی که قلعه نوی شوانشتاین بر فراز تپه‌ای بلند قرار دارد. از این‌جا می‌توان مسیر پیاده‌روی به سمت قلعه را انتخاب کرد که حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه طول می‌کشد. برای کسانی که پیاده‌روی را ترجیح نمی‌دهند، کالسکه‌های اسبی هم فراهم شده که تجربه‌ای خاص و سنتی را ارائه می‌دهد.

قانون جالب بازدید از قلعه

یکی از نکاتی که باید پیش از بازدید از قلعه بدانید، این است که بازدید از داخل قلعه تنها از طریق تورهای گروهی و رزرو قبلی امکان‌پذیر است. نمی‌توانید به‌تنهایی وارد شوید، حتی اگر بلیت داشته باشید. این تورها به زبان‌های مختلف ارائه می‌شوند و معمولاً ۳۰ تا ۴۰ دقیقه زمان می‌برند.

جاذبه‌های داخل قلعه: ۵ نقطه برجسته



عکس: رابرت هان

- تالار خوانندگان** اولین مکانی که توجه‌م را جلب کرد، تالار خوانندگان بود. این تالار بزرگ با سقف چوبی بلند و دیوارهایی که با نقاشی‌های اسطوره‌ای پوشیده شده‌اند، فضای باشکوهی دارد. نور طبیعی از پنجره‌های بلند می‌تابد و انعکاس آن روی کف چوبی، محیطی گرم و دلپذیر ایجاد می‌کند. این‌جا محلی برای برگزاری مراسم موسیقی و اپرا بود و علاقه لودویگ دوم به هنر و موسیقی را نشان می‌دهد.
- تالار تخت** تالاری عظیم که با الهام از کلیساهای



عکس: توریان هرنر

بیزانسی طراحی شده است. سقف گنبدی بلند، ستون‌های مرمرین و نقاشی‌های دیواری از قدیسان و فرشتگان فضایی معنوی به آن داده‌اند. جالب این‌جاست که تخت پادشاهی هرگز در این تالار قرار نگرفت، زیرا ساخت آن قبل از مرگ لودویگ دوم ناتمام ماند. این موضوع به نوعی نمادی از رؤیاهای ناتمام پادشاه است.

۳. غار مصنوعی یکی از عجیب‌ترین بخش‌های قلعه، غاری مصنوعی در داخل ساختمان است. این فضا که شبیه یک غار طبیعی با سنگ‌های مصنوعی و آبشارهای کوچک ساخته شده، بازتابی از ذهن رؤیایی لودویگ دوم است. نورپردازی ملایم و صدای آرام آب، حسی از آرامش و خیال‌پردازی را القا می‌کند. به نظر می‌رسد این‌جا، جایی بوده که پادشاه برای فرار از دنیای واقعی به آن پناه می‌برد.

۴. تالار پایینی تالاری ساده‌تر که بیشتر برای استفاده روزمره و پذیرایی از مهمانان در نظر گرفته شده بود. تزیینات این قسمت در مقایسه با سایر بخش‌های قلعه ساده‌تر است، اما همچنان حس شکوه و عظمت در آن جریان دارد. نقاشی‌های دیواری و مبلمان چوبی ظریف، فضای دلنشینی ایجاد کرده‌اند.

۵. پلی که افسانه را قاب می‌گیرد یکی از اولین نقاطی که توجه‌م را بازدیدکننده‌ای را جلب می‌کند، پل مارین پرو که است. این پل معلق که بر فراز دره پولات قرار دارد، بهترین نقطه برای گرفتن عکس‌های نمادین از قلعه است. وقتی روی این پل ایستادم، منظره‌ای که پیش‌رویم قرار داشت، همان تصویری بود که بارها در کارت‌پستال‌ها دیده بودم. اما برخلاف آن تصاویر پر از رنگ‌های تابستانی، حالا این چشم‌انداز در سکوت و سرمای زمستان جلوه‌ای متفاوت داشت؛ سرد اما زیبا.

واقعیت در برابر تصویر ذهنی

پیش از آن که قدم به این قلعه بگذارم، تصاویری که از نوی شوانشتاین در ذهن داشتم، حاصل عکس‌ها و ویدئوهایی بود که از زوایای هوایی و در فصل‌های سرسبز سال گرفته شده بودند. اما زمانی که در ژانویه ۲۰۲۵ از مونیخ به این قلعه رسیدم، با منظره‌ای متفاوت روبه‌رو شدم. درختانی برهنه از برگ، اطراف قلعه را احاطه کرده بودند و خبری از پوشش برفی روی زمین نبود، هر چند کوه‌های دور دست هنوز در سفیدی برف می‌درخشیدند. این تضاد میان تصویر رؤیایی که در ذهن داشتم و واقعیت زمستانی، تجربه‌ای متفاوت و در عین حال واقعی‌تر به من بخشید. با این حال به

نظم قلعه در اوایل پاییز بارنگ‌های گرم برگ‌ها، در زمستانی که زمین پوشیده از برف است، یا در تابستان سرسبز، جذابیت بیشتری دارد. اما در این فصل که درخت‌ها خشک و بی‌برگ هستند، شاید آن جادوی همیشگی‌اش کمتر به چشم بیاید.

قلعه‌ای برای انزوا و خیال‌پردازی

برای یک ایرانی که با کاخ‌هایی مانند گلستان، چهل‌ستون یا تخت جمشید آشناست، نوی شوانشتاین تضادی عجیب دارد. این‌جا خبری از ایوان‌های طاق‌دار، مقرنس‌های ظریف یا نقوش اسلیمی نیست؛ بلکه با ترکیبی از معماری رمانتیک قرون وسطایی، نئوکلاسیک و

گوتیک روبه‌رو می‌شوید. با این حال، اگر دقیق‌تر نگاه کنید، شباهت‌هایی هم وجود دارد: علاقه به نمادگرایی، تأکید بر شکوه شاهانه و معماری‌ای که بیش از آن که برای کاربری عملی ساخته شده باشد، بیانگر هویت و تفکر یک حاکم است.

در مقایسه با کاخ‌های ایرانی که عموماً برای اجتماع و پذیرایی از مهمانان طراحی شده‌اند، نوی شوانشتاین بیشتر یک قلعه شخصی است، جایی برای انزوا، خیال‌پردازی و گریختن از مسئولیت‌های حکومتی. درست مانند برخی از پادشاهان ایران که به باغ‌ها و کاخ‌های تابستانی پناه می‌بردند، لودویگ دوم هم با ساخت این قلعه به دنبال دنیایی متفاوت از سیاست و جنگ بود.

افسانه‌ای که به واقعیت ختم نشد

یکی از نکات جالب در باره نوی شوانشتاین این است که هرگز به‌طور کامل تکمیل نشد. پادشاه لودویگ دوم، که به «شاه رؤیایی» معروف بود، تا پایان عمر خود فقط بخش کوچکی از قلعه را دید و حتی در همان دوران، بدی‌های مالی سنگینی بابت ساخت آن بالا آورد. این قلعه قرار بود تجلی یک دنیای آرمانی باشد، اما لودویگ پیش از دیدن پایان آن، به طرز مشکوکی در دریاچه‌ای در نزدیکی قلعه غرق شد؛ مرگی که هنوز هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

قلعه‌ای میان واقعیت و خیال

نوی شوانشتاین تنها یک قلعه نیست، بلکه نمادی از رؤیا، فرار از واقعیت و تلاشی برای ساخت دنیایی متفاوت است. اگر به عنوان یک ایرانی از آن بازدید کنید، علاوه بر زیبایی‌های بصری، می‌توانید شباهت‌هایی بین آن و سنت‌های معماری و داستان‌های خردمان ببینید. این‌جا، مانند بسیاری از بناهای تاریخی ایران، تلفیقی از اسطوره و تاریخ است. اما چیزی که نوی شوانشتاین را متمایز می‌کند، این است که برخلاف بسیاری از کاخ‌های ایرانی که زادگاه قدرت و سیاست بودند، این‌جا یک بنای شخصی و شاعرانه است، ساخته شده برای کسی که از جهان واقعی گریزان بود و در نهایت، خودش هم تبدیل به یک افسانه شد.

نوی شوانشتاین را بیشتر بشناسیم

تماشای این قلعه چنان آدم را میبوت می‌کند که دوست دارد بیشتر و بیشتر درباره‌اش بداند. در این بخش سراغ اطلاعات جالبی از این قلعه رفتیم.



مالکیت قلعه: گذشته و حال

امروزه قلعه نوی شوانشتاین تحت مالکیت ایالت باواریا قرار دارد و توسط سازمان میراث فرهنگی آلمان مدیریت می‌شود. اگرچه این قلعه زمانی اقامتگاه شخصی پادشاه بود، اما اکنون به یکی از پر بازدیدترین جاذبه‌های گردشگری جهان تبدیل شده است. سالانه میلیون‌ها گردشگر از سراسر دنیا برای دیدن این بنای افسانه‌ای به بایرن می‌آیند.

مصلح به کار رفته

عظمت قلعه به شکلی است که بیننده کنج‌کاوی می‌شود در سال ۱۸۶۹ میلادی و با فناوری آن زمان چطور این سازه طی ۱۷ سال ساخته شده است؟ بد نیست مصلح به کار رفته در آن را مرور کنیم.

سنگ آهک هوهن شوانگاو

قلعه عمدتاً از سنگ آهک روشن و مایل به سفید استخراج شده از معادن هوهن شوانگاو ساخته شده است. این سنگ، ظاهری باشکوه و رمانتیک به قلعه می‌بخشد و در عین حال، استحکام و دوام بنا را تضمین می‌کند.

آجر در ساخت قسمت‌های داخلی قلعه، به‌ویژه در طاق‌ها، سقف‌ها و دیوارها، از آجر استفاده شده است. آجر، علاوه بر استحکام، عایق حرارتی مناسبی نیز فراهم می‌کند.

مرمر برای تزیینات داخلی، به‌ویژه در تالار آواز و اتاق خواب پادشاه، از مرمر با کیفیت استفاده شده است. مرمر، با بافت و رنگ‌های متنوع خود، جلوه‌ای لوکس و مجلل به فضا می‌بخشد.

چوب چوب، یکی از مصالح اصلی در ساخت درها، پنجره‌ها، مبلمان و سایر عناصر داخلی قلعه است. چوب، علاوه بر زیبایی و گرما، حس صمیمیت و راحتی را به فضا القای کند.

آهن آهن، در ساخت سازه‌های فلزی، مانند تیرها، ستون‌ها و پل‌ها، به کار رفته است. آهن، استحکام و پایداری بنا را افزایش می‌دهد.

تکنیک‌های ساخت، تلفیقی از سنت و نوآوری استفاده از داربست‌های پیچیده برای ساخت دیوارهای بلند و برج‌های قلعه، از داربست‌های چوبی پیچیده‌ای استفاده شد.



عکس: رابرت هان